«ایران» فرمان رئیس جمهور برای ارجاع پرونده بدهی کره‌جنوبی به «داوری» را بررسی می کند

کنشگری هوشمندانه حقوقی پشتوانه دیپلماسی ابتکاری

رویترز

گزارش

مریم سالاری

دولت سید ابراهیم رئیسی برای دریافت مطالبه قانونی خود از یک مشتری بدحساب نفتی معطل نکرد و ظرفیت‌های پیگیری حقوقی را به جریان انداخت؛ اقدامی که نشان می‌دهد وقتی پای منافع ملی در میان باشد «نه» مفهومی برای دولت ندارد و همه امکان‌ها برای تحقق آن به خدمت گرفته می‌شود. ماجرا به موضوع دنباله‌دار بدعهدی کره‌جنوبی بابت پرداخت بدهی ۷ میلیارد دلاری‌اش به ایران باز می‌گردد؛ «سئول» پس از خروج یکباره ایالات متحده از برجام و بازگشت تحریم‌های هسته‌ای بهانه یافت تا پول محموله‌های نفتی را که پیش‌تر از ایران خریداری کرده بود، نپردازد و رابطه خود را با تهران تحت تأثیر جدال‌های دیپلماتیک و حقوقی قرار دهد.

دولت سیزدهم به موازات روندی که در بکارگیری ظرفیت‌های دیپلماتیک برای بازگرداندن پول کشور از کره‌جنوبی در دستور کار قرار داد، با تهیه «لایحه ارجاع اختلاف بین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری کره به داوری» و ارسال آن به مجلس، رسماً پروسه فعال کردن کانال‌های حقوقی را هم کلید زد. فارغ از موارد متعدد کم‌کاری‌ها و پرهیز از فعل‌هایی که در دولت پیشین نسبت به تحقق بازپرداخت این بدهی صورت گرفته بود و بدون شک در دشوارتر شدن این روند مؤثر بوده‌اند، خبر تفهیم و پیگیری حقوقی در صحنه بین‌الملل از حیث مطالبه‌گری و پاسخگو کردن طرف مقابل، رویکردی است که دولت رئیسی نشان داده برای به اجرا درآوردن آن تعلل نمی‌کند. چه آنکه این رویکرد بخش مغفول مانده‌ای از سازکارهای قابل اجراست که به دلایل متعددی در ادوار پیشین جای چندانی در تصمیمات دولت‌ها نداشته است.

حاشیه‌نشینی از ترس نفوذ غرب

داوری به عنوان یک نهاد شبه قضایی در حال حاضر وسیع‌ترین و قابل قبول‌ترین روش حل اختلاف در حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. چراکه الزام حقوقی منعطفی برای طرفین اختلاف ایجاد می‌کند و آنها فارغ از برخی کاستی‌ها با دادن حق انتخاب میان داوری و دیگر روش‌های حل اختلاف، همواره داوری بین‌المللی را انتخاب می‌کنند، زیرا تنها در این صورت است که امکان رسیدگی عادلانه را خواهند یافت.

در سطح بین‌المللی نیز کنوانسیون‌ها و مفادی به منظور یکنواخت‌سازی مقررات داخلی کشورها در این زمینه و تسهیل اجرای این شیوه‌ها به تصویب رسیده است که جملگی اهمیت حل اختلافات را از طریق شیوه‌های جایگزین حل و فصل آشکارتر می‌سازد. با وجود این در ایران، اهمیت رجوع به این شیوه‌ها چندان درک نشده یا متأثر از دیدگاه‌هایی است که وزن قدرت سیاسی کشورهای بلوک غرب بر سازکارهای بین‌المللی را اسباب مانع‌تراشی می‌دانند و با جا زدن آن به جای موضع مجاری رسمی حقوقی بین‌الملل، این باور را القا می‌کنند که قرار است پیش راه حضورشان در پیگیری موضوع اختلافی، مانع ایجاد شود؛ ادعایی که البته جدید نیست و از فرط سال‌ها تکرار در نگاه دولت‌های پیشین نخ‌نما شده است. از نگاه برخی جریان‌های سیاسی داخل کشور که با بدبینی به ابزارهای قضایی و حقوقی بین‌الملل نگاه می‌کنند، آنچه در فضای این دادگاه‌ها و مراحل دادرسی پرونده‌های شکایت در حال رخ دادن است، تا حد زیادی از نقش‌آفرینی بازیگران سیاسی غرب در پشت صحنه تأثیر گرفته و بنابراین به زعم آنها باید عطای شکایت و دادخواهی را به لقایش بخشید. هرچند عامل اثرگذاری نقش کشورهای غربی در لابی‌ها و محافل سازمانی و نهادهای سیاسی و حقوقی بین‌الملل قابل انکار نیست اما این به آن معنا نیست که با رفتاری منفعلانه از کنشگری در صحنه‌های حقوقی کناره‌گیری کرد و به حاشیه‌نشینی روی آورد.

پیگیری حقوقی هم‌راستا با دیپلماسی

تصمیم رئیس‌جمهور برای ارجاع دادن موضوع اختلافی با کره‌جنوبی به «داوری»، هم‌راستا با پیگیری کانال‌های دیپلماسی ثابت کرد که یکی از پررنگ‌ترین رویکردها مبنی بر توجه به ظرفیت‌های حقوقی در ساختار بین‌الملل « در کانون توجه دولت سیزدهم قرار گرفته» و بویژه بسیج کردن نیروها برای پیگیری این مهم همه آن چیزی است که در شرایط کنونی انتظار می‌رود. این در حالی است که تأکید گفتمانی دولت سیزدهم بر پیگیری دیپلماسی رسمی و غیررسمی برای حل چالش‌های جاری، سطح تعاملات خارجی دولت را از رویه رایج بالاتر برده و نشان داده که بیش از فعال بودن سیاست خارجی به هدفمندی آن اعتقاد دارد. چنانکه این اعتقاد خود را در توجه به سازکارهای حقوق بین‌الملل نیز نشان داده و برای تسهیل و ممکن کردن حل موضوعاتی که خود را در آنها ذی‌حق می‌داند، آستین همت بالا زده است. از این رو کارنامه دیپلماسی رئیسی تا اینجا نشان داده که دولت توانسته است از تغییرات مثبت در سیاست منطقه‌ای و جهانی نیز برای پیگیری موضوعات خارجی‌اش در محافل داوری پشتوانه‌ای قابل اتکا بسازد.

> تصمیم رئیس‌جمهور برای ارجاع دادن موضوع اختلافی با کره‌جنوبی به «داوری»، هم‌راستا با پیگیری کانال‌های دیپلماسی ثابت کرد که یکی از پررنگ‌ترین رویکردها مبنی بر توجه به ظرفیت‌های حقوقی در ساختار بین‌الملل از نگاه دولت سیزدهم مغفول نمانده و بویژه بسیج کردن نیروها برای پیگیری این مهم همه آن چیزی است که در شرایط کنونی انتظار می‌رود. این در حالی است که تأکید گفتمانی دولت سیزدهم بر پیگیری دیپلماسی رسمی و غیررسمی برای حل چالش‌های جاری، سطح تعاملات خارجی دولت را از رویه رایج بالاتر برده و نشان داده که بیش از فعال بودن سیاست خارجی به هدفمندی آن اعتقاد دارد

ناکام در مذاکره، ناامید از پیگیری حقوقی

یکی از نمونه‌های اخیر که دور از هیاهو یک موفقیت دور از انتظار را برای جمهوری اسلامی رقم زد، رأیی بود که دیوان بین‌المللی دادگستری (دادگاه لاهه) ۱۰ فروردین سال‌جاری صادر و پرونده‌ای را مختومه اعلام کرد که پس از ۷ سال، بار دیگر بحق بودن مطالبه جمهوری اسلامی در دعاوی با ایالات متحده امریکا را نشان می‌داد.

۲۵ خرداد ۱۳۹۵ دادخواستی از سوی جمهوری اسلامی به دادگاه لاهه رفت که درباره مغایرت اقدامات امریکا با تعهداتش در چهارچوب معاهده موسوم به عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران تهیه شده بود. این معاهده که ۲۳ مرداد ماه ۱۳۳۴ (۱۵ اوت ۱۹۵۵) بین دو کشور امضا شد، مهم‌ترین مستند دادگاه در پروسه شکایت ایران از امریکا بود. به فاصله یک سال و در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۶، کاخ سفید ضمن اعلام برخی ایرادات به ظاهر حقوقی، شکایت ایران را غیرقابل استماع دانست و نسبت به صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای رسیدگی به این شکایت اعتراض کرد. اعتراضی که در ۲۴ بهمن سال بعد رد شد و دادگاه صلاحیت خود را برای رسیدگی به این دعاوی تأیید و بررسی پرونده را آغاز کرد. اما مسأله اینجا بودکه با وجود دیپلماسی که دولت پیشین برای جبران مافات خروج امریکا از برجام در رابطه با دیگر کشورهای طرف توافق به جریان انداخته بود، نسبت به پیگیری حقوقی این چالش و بویژه مباحث حقوقی و تجاری ناظر بر جبران خسارت که در برگیرنده اعاده حیثیت و ارتباط و زیان‌های مالی کشور بوده است، سعی زیادی از خود نشان نداد و نتوانست لجستیک حقوقی خود را برای اعاده حیثیت و اعتبار معنوی شرکت‌ها، بانک‌ها و سایر نهادهای آسیب دیده از بازگشت تحریم‌های امریکایی به جریان اندازد و به طور مستقیم و غیرمستقیم خسارت مادی و غیرمادی را جبران کند.

پیروزی چراغ خاموش

اما پرونده شکایتی که سال ۹۵ به لاهه ارسال شده بود، با پیگیری حقوقی دولت سیزدهم در شهریور ماه سال ۱۴۰۱ تکان خورد و بین روزهای ۲۸ تا ۳۱ همان ماه، جلسات استماع برای بررسی ابعاد ماهوی در دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه برگزار شد و سرانجام در نتیجه این پیگیری‌ها دهم فروردین سال‌جاری دیوان با صدور رأی، ادعاهای دولت امریکا را رد و به تعیین میزان خسارت وارده به ایران حکم داد. این پیروزی که به رغم مواجه بودن با موجی از فضاسازی‌های منفی و سیاه‌نمایی‌های محافل مرتبط با غرب و در رأس آنها امریکا رقم خورد، نتیجه پیگیری مستمر و خستگی‌ناپذیر کانال‌های حقوقی در فضایی دور از غوغا و جنجال‌سازی بود. دولت از شهریور ۱۴۰۰ که به صورت رسمی مسئولیت اجرایی را به عهده گرفت، همه ظرفیت دیپلماتیک و حقوقی خود را برای رسیدگی به پرونده ایران در «لاهه» به کار گرفت و ماشین حقوقی خود را فعال کرد.

یعنی در حالی که دیپلمات‌های خود را برای پیگیری مذاکرات رفع تحریم‌ها راهی وین کرده بود، تیم وکلا و حقوقدانان بنامش را نیز تجهیز کرد تا کار اقامه دعوا برای اعاده حیثیت و خسارت کشور را در بالاترین سطح دنبال کنند. تلاش‌هایی که بر خلاف دولت گذشته به صورت چراغ خاموش به جریان افتاد و در سکوت، نخستین دستاورد مثبت آن را حاصل کرد.

تردیدی وجود ندارد که این بار نیز همچون گذشته در کنار آنچه با پرونده بدهی «سئول» به تهران پیوند دارد، محافل غربی به نحو غیرمستقیم پروژه تبلیغاتی خود علیه ایران را پیگیری خواهند کرد؛ اقداماتی که هدفی جز تلاش برای امتیازگیری بر خلاف روندی که تاکنون طی شده نداشته است و در این مسیر علاوه بر امریکا که در کنار کره‌جنوبی یکی از طرف‌های غیرمستقیم این موضوع به شمار می‌آید، بازیگران اروپایی نیز به عنوان مجریان سیاست‌های امریکا با اقداماتی پنهان می‌کوشند نفوذ غالب خود را در محافل و دادگاه‌های بین‌المللی علیه ایران به کار گیرند اما با وجود این به نظر می‌رسد دولت سیزدهم عزم خود را جزم کرده تا با جبران کم‌کاری‌ها در ادوار پیشین، ابتکار عمل و اراده خود را از طریق بسیج ظرفیت‌های حقوقی نشان دهد و بتواند در سطح بین‌الملل آرایی قاطع را از محاکم بین‌المللی به نفع کشور حاصل کند.

رویارویی‌های حقوقی تهران و واشنگتن

گروه سیاست خارجی/ بررسی رفتاری که ایالات‌متحده در روند مواجهه با ایران در قبال تحریم‌ها در پیش گرفته است، دلایل کافی بر درستی تمرکز دولت سیزدهم بر مقابله حقوقی با این کشور در محافل بین‌المللی را نشان می‌دهد. راهکار سیاستمداران هدایت‌کننده دولت امریکا برای اجرای بی‌کم و کاست تحریم‌ها، جلوگیری از تبدیل اختلافات سیاسی با ایران به یک اختلاف حقوقی بوده و به جای آن کوشیده اند در یک روند سیاسی به جای بحث درباره مشروعیت یا عدم مشروعیت اقدامات خود، چانه‌زنی‌های دیپلماتیک را دنبال کنند. چه آنکه به باور دولتمردان امریکایی اگر ایران موضوع تحریم‌ها را به یک شکایت حقوقی در صحنه بین‌الملل تبدیل کند، احتمال می‌رود اثبات حقانیتش در محاکم بین‌المللی، اهرم‌های قدرت واشنگتن را دچار فرسایش کرده و وضعیت را به نفع تهران متعادل‌تر کند.

ایران پس از وقوع انقلاب اسلامی تا هنگام نگارش این نوشتار، ۵ مرتبه بابت شکایت از امریکا به دیوان مراجعه کرده و یک‌بار نیز این کشور بر سر قضیه گروگان‌گیری علیه کشورمان طرح دعوی کرده است. حادثه سقوط هواپیمای مسافربری ایرباس و انهدام سکوهای نفتی ایران توسط امریکا از موارد اولیه شکایت کشورمان در دیوان به شمار می‌رفت. ۲ دعوای سال‌های اخیر ایران علیه امریکا در پی خروج این کشور از برجام و به استناد نقض مواد عهدنامه «مودت» رقم خورد و آخرین مورد نیز به ماجرای توقیف ۲ میلیارد دلار از وجوه بانک مرکزی ایران در امریکا باز می گردد.

امریکا در حالی که تاکنون سعی کرده است تحریم‌های یکجانبه خود را علیه ایران در شکل و شمایل حقوقی عرضه کند و تخطی کشورها از آن را با مجازات‌های سنگین روبه‌رو سازد، همزمان گوش به زنگ بوده است تا مانع از بررسی‌های حقوقی درباره اعتبارسنجی اقداماتش در یک محکمه بین‌المللی شود. در حقیقت واشنگتن وضعیت «نه جنگ، نه دیپلماسی» را به فرصتی برای پیش راندن نظام سختگیرانه تحریم‌ها تبدیل کرده و در این مسیر ابزارهای حقوقی را هم به خدمت اهداف جنگ اقتصادی علیه ایران درآورده است.

این دلایل کافی بود تا ایران تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی و اقدامات محدودکننده دیگر علیه دولت، مردم و شرکت‌های ایرانی را ناقض مفاد «عهدنامه ۱۳۳۴ مودت» بخواند و شکایت خود را بابت نقض این عهدنامه از سوی امریکا روی میز دادخواهی دیوان بگذارد. اینها همان تحریم‌هایی بودند که به دنبال تصمیم اجرایی ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ (۸ مه ۲۰۱۸) دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق ایالات‌متحده و خروج آن کشور از برجام علیه کشورمان بازگشته بود و همین مسأله باعث شد امریکا در طرح ایرادات مقدماتی خود در دیوان، به اشتباه مدعی شود شکایت ایران مبنای برجامی داشته و ارتباطی با عهدنامه دوجانبه بین دو کشور ندارد. عهدنامه مودت دربرگیرنده تعهداتی در حمایت از اتباع و شرکت‌های دو دولت در زمینه واردات و صادرات، نقل‌وانتقالات پولی، رعایت حقوق و منافع حاصل شده و منع رفتار تبعیض‌آمیز و همچنین آزادی تجارت است. بر همین اساس وکلای امریکا استدلال می‌کردند حتی اگر دعوای ایران بر مبنای عهدنامه مودت (و نه برجام) مطرح شده باشد، اقدامات مورد استناد ایران اساساً ربطی به تحریم‌های امریکا نداشته و در واقع با «اقدامات دولت‌های ثالث» مرتبط است؛ بنابراین خارج از شمول عهدنامه «مودت» قرار می‌گیرد و دیوان صلاحیت رسیدگی قضایی به آنها را ندارد، اما ایراد وکلای امریکایی با اتفاق آرا از سوی دیوان رد شد.

خروج از «مودت»

اگرچه امریکا برای مسدود کردن روزنه‌های شکایت حقوقی ایران تصمیم به خروج از عهدنامه مودت گرفت، اما این اقدام نمی‌توانست مانعی برای عدم پیگیری شکایت‌های از پیش طرح شده توسط ایران باشد. اگر چه دو طرف دیگر نمی‌توانستند به این عهدنامه استناد کنند، اما هر رویدادی که تا قبل از آن تاریخ رخ داده بود، به‌رغم خروج امریکا از عهدنامه، همچنان قابلیت طرح موضوع در دیوان دادگستری بین‌المللی را داشت. اینچنین بود که در فروردین ماه سال جاری و در پی مضاعف شدن تلاش‌های حقوقدانان به پشتوانه حمایت دولت سیزدهم، دادگاه لاهه اقدامات امریکا را نقض تعهدات معاهده مودت میان دو کشور تشخیص داد و با توجه به این نقض تعهدات، واشنگتن را مکلف به جبران خسارات وارده کرد. این رأی که به نوعی اقتدار و نفوذ حقوقی امریکا در مهم‌ترین مرجع رسیدگی به شکایت دولت‌های جهان را شکست، نشان می‌دهد دولت سیزدهم رویکرد درستی را در بهره‌گیری از ابزارهای حقوقی در دسترس خود در سازمان‌ها و مراجع قضایی بین‌المللی در پیش گرفته است تا خط انحرافی امریکا در تعاملات بین‌المللی‌اش را با ادبیات حقوقی به چالش بکشد. بنابراین بر خلاف گمان بسیاری، حقوق همچنان ابزار و پشتوانه قابل قبولی برای سیاستمداران به شمار می‌رود و آنجا که دیپلماسی اقتضا کند یا راه حلی پیش بکشد؛ حقوق می‌تواند به خدمت دیپلماسی درآید.

محکومیت شرکت نفتی رژیم صهیونیستی در دادگاه ژنو

برگی از تاریخ

رجوع به سازکارهای حقوق بین‌المللی اگرچه در باور برخی به معنای یک اقدام پیشاپیش نافرجام و فارغ از مکانیسم‌های اثرگذار تعبیر می‌شود، اما در واقع مشمول رویکردی فراتر از این تعبیر محدود است و رجوع به آن، کمک کننده به شکل‌گیری بسترجدیدی برای حقانیت بخشی حقوقی به دادخواست دولت برنده خواهد بود و موضع حقوقی و سیاسی آن دولت را در جامعه بین‌المللی و مذاکرات آتی تقویت می‌کند. بنابراین هیچ دولتی حاضر نیست که موضوع یک رأی ماهوی دیوان بین‌المللی دادگستری قرار بگیرد و دولت‌ها بشدت در حفظ وجهه بین‌المللی خود می‌کوشند چنانکه گاه ترس از محکومیت بین‌المللی، دولت‌ها را به عقب‌نشینی و مصالحه‌هایی ترغیب می‌سازد که تا قبل از آن حاضر نبودند به آن تن دهند. از این رو موفقیت در یک محکمه بین‌المللی از منظر اعتبار دیپلماتیک حائز اهمیت است و می‌تواند نگرش بسیاری از کشورها و حتی افکار عمومی را نسبت به کشور برنده تحت تأثیر قرار دهد. اما از منظر اثرگذاری مکانیسم‌های داوری، نمونه‌های تاریخی وجود دارد که نتایج قابل توجهی از منظر نتیجه یا پیگیری مجدانه محاکم داوری درباره پرونده‌های گشوده شده از سوی جمهوری اسلامی رقم زده است. تاجایی که «کمیته بین المللی داوری» در «ژنو»، در حکمی، رژیم صهیونیستی را به پرداخت غرامت به ایران محکوم کرد.

یک مورد از مواردی که بر مبنای آن، شرکت ملی نفت ایران در دوره پیش از انقلاب، در مراجعه به داوری پیش قدم شده بود، مربوط به خط لوله ۲۴۲ کیلومتری ایالت اشکلون است. این پروژه با ثبت یک شرکت ایرانی ـ اسرائیلی در سال ۱۳۴۷ خورشیدی برای ساخت خط لوله نفتی از بندر ایالت در جنوب فلسطین اشغالی به اشکلون در ساحل مدیترانه کلید خورد. هنگام وقوع انقلاب اسلامی در ایران، این خط لوله و مخازن آن حاوی حدود ۳۰۰ هزار تن نفت خام ایران بود.

این نفت از ایران به بندر «ایلات» و سپس از طریق خط لوله ترنس اسرائیل که به تازگی احداث شده بود، به بندر اشکلون در ساحل مدیترانه منتقل می‌شد. پس از انقلاب اسلامی و در پی تبدیل شدن ایران از یک همپیمان به دشمن اسرائیل، دارایی‌های ایران مصادره شد و رژیم صهیونیستی این خط لوله مشترک را ملی اعلام کرد.

قرارداد تشکیل این شرکت تصریح کرده بود که در صورت بروز اختلاف، هیأت داوری مرجع رسیدگی خواهد بود. این هیأت داوری با عضویت یک داور منصوب شده از سوی شرکت ملی نفت ایران و یک داور انتصابی از جانب رژیم صهیونیستی و یک داور سوم که توسط دو داور انتصابی انتخاب شده، تشکیل می‌شود. براساس قرارداد اگر دو داور نتوانستند بر سر انتخاب داور سوم توافق کنند، رئیس اتاق بازرگانی بین‌المللی در پاریس داور سوم را منصوب می‌کند.

شرکت نفت ایران در ۱۴ اکتبر ۱۹۹۴ طرف مورد نظر خود را برای آغاز روند حکمیت معرفی کرد و از رژیم صهیونیستی نیز خواست داور خود را معرفی کند. برای این مراجعه به داوری نیز مصوبه مجلس شورای اسلامی وجود نداشت. در ادامه روند تشکیل هیأت داوری رسیدگی به اختلافات، طرف صهیونیستی از معرفی داور استنکاف کرد و به این ترتیب شرکت نفت ایران در اقدامی بی‌سابقه این بار ناگزیر شد به محاکم رژیم صهیونیستی مراجعه کند با این دادخواست که دادگاه رژیم صهیونیستی، طرف دعوا را ملزم به معرفی داور کند. پس از اینکه دادگاه رژیم صهیونیستی از صدور چنین حکمی خودداری کرد، شرکت نفت ایران موفق شد حکم دادگاهی در پاریس را برای الزام رژیم صهیونیستی به تعیین یک داور جهت حل و فصل دعوای دو طرف به دست آورد و سرانجام، دو طرف در سال ۲۰۰۴ بر سر ارجاع موضوع به داوری در ژنو به توافق رسیدند.

در نهایت به گزارش رسانه اسرائیلی «هاآرتص» دادگاه ژنو ضمن رد فرجام خواهی شرکت نفتی ترنس آسیاتیک رژیم صهیونیستی علیه شرکت ملی نفت ایران، اعلام کرد که این شرکت اسرائیلی باید یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بدهی‌اش به ایران را که مربوط به پرونده‌ای در دوران شاه مخلوع ایران است، پرداخت کند. به این ترتیب ایران کوشید از طریق ارائه سه دادخواست در دادگاه‌های بین‌المللی سوئیس و فرانسه سهم خود را از درآمدهای حاصل از تداوم فعالیت‌های این خط لوله که میلیاردها دلار برآورد می‌شود و همچنین دارایی‌های ایران که ملی اعلام شده بودند، دریافت کند.

پرداخت غرامت از سوی واشنگتن

پرواز مسافربری شماره ۶۵۵ شرکت هواپیمایی ایران‌ایر از بندرعباس به مقصد دوبی در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۶۷ در حرکت بود که با شلیک موشک هدایت شونده از ناو یواس‌اس وینسنس متعلق به نیروی دریایی ایالات متحده امریکا بر فراز خلیج فارس سرنگون شد. حدوداً یک سال پس از این ماجرا یعنی در ۱۹۸۹ کشورمان پس از گزارش به شورای امنیت و همین طور ایکائو (سازمان بین‌المللی هوانوردی کشوری) در دیوان بین‌المللی دادگستری هم رسماً از امریکا شکایت کرد. ایران به موجب کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو علیه امریکا طرح دعوا کرد که پس از طرح دعوا، امریکا خواستار مذاکره شد که به گفته دکتر محسن محبی حقوقدان و رئیس سابق مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، نتیجه آن پرونده مصالحه ۱۰۵ میلیون دلاری شد که طرف امریکایی اگرچه عذرخواهی نکرد، اما به ایران پرداخت کرد.